

توسعه مدیریت شهری در کشورهای عضو بریکس: تحلیل ظرفیت‌های نهادی و نوآوری‌ها

سیدحامد موسوی^۱، مهدی ریزوندی^{۲*}

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۱۱/۱۷

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۵/۰۱/۲۵

چکیده

در عصر شهرنشینی سریع و تحولات چندجانبه جهانی، توسعه مدیریت شهری پایدار در کشورهای نوظهور یکی از چالش‌های کلیدی است. مجمع بریکس (برزیل، روسیه، هند، چین، آفریقای جنوبی، و اخیراً عربستان، امارات، ایران و غیره) به عنوان یک بلوک قدرت اقتصادی-سیاسی نوظهور، ظرفیت بالایی برای تسهیل همکاری‌های فناورانه و نهادی در حوزه مدیریت شهری دارد. این مقاله مروری سیستماتیک با هدف شناسایی موانع، ظرفیت‌ها و راهکارهای نوآورانه برای ارتقای مدیریت شهری در کشورهای عضو بریکس انجام شده است. با استفاده از روش پریسما و جستجو در پایگاه‌های علمی معتبر شامل ساینس دایرکت، وب آف ساینس و اس آی دی، ۶۸ مقاله علمی مرتبط در بازه زمانی ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۴ انتخاب و تحلیل شدند. یافته‌ها نشان می‌دهد که کشورهای بریکس با چالش‌های مشترکی از جمله تراکم جمعیتی، نابرابری فضایی، کمبود زیرساخت‌های هوشمند و ضعف در هماهنگی بین‌بخشی مواجه هستند. در مقابل، مجمع بریکس با ایجاد شبکه‌های انتقال فناوری، تأسیس بانک توسعه جدید و ترویج کارآفرینی شهری، ظرفیت‌های قابل توجهی برای بهبود مدیریت شهری فراهم کرده است. این مقاله راهکارهای نوآورانه‌ای از جمله ایجاد "شبکه شهرهای هوشمند بریکس"، توسعه صندوق مشترک نوآوری شهری و تقویت کارآفرینی محلی را پیشنهاد می‌کند. نتیجه‌گیری نشان می‌دهد که ادغام رویکردهای کارآفرینانه با ظرفیت‌های سیاسی-اقتصادی بریکس می‌تواند الگویی جدید برای توسعه شهری پایدار در جنوب جهانی ایجاد کند.

کلمات کلیدی: توسعه مدیریت شهری، مجمع بریکس، کارآفرینی شهری، نوآوری، چالش‌های شهری، ظرفیت‌های همکار

^۱دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی زنجان، ایران

^۲دکترای کارآفرینی فناوری، دانشگاه آزاد اسلامی قزوین، ایران (نویسنده مسئول)

۱. مقدمه

شهرنشینی در قرن بیست و یکم نه تنها یک پدیده دموگرافیک، بلکه یک تحول ساختاری کلان در سازمان اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جوامع بشری محسوب می‌شود. بر اساس آخرین گزارش سازمان ملل متحد درباره شهرهای جهانی (UN-Habitat, ۲۰۲۳)، جمعیت شهری جهان تا سال ۲۰۵۰ به بیش از ۶٫۷ میلیارد نفر خواهد رسید که حدود ۶۸ درصد کل جمعیت جهانی را تشکیل می‌دهد. این رشد، عمدتاً در کشورهای نوظهور و در حال توسعه رخ خواهد داد. به ویژه در کشورهای عضو مجمع بریکس شامل برزیل، روسیه، هند، چین، آفریقای جنوبی، ایران، عربستان سعودی، امارات متحده عربی و ترکیه. این کشورها در مجموع بیش از ۴۲ درصد جمعیت جهان و حدود ۳۰ درصد GDP^۱ جهانی را در بر می‌گیرند (BRICS Secretariat, ۲۰۲۳). بنابراین، نحوه مدیریت شهرنشینی در این کشورها، نه تنها بر زندگی میلیاردها شهروند تأثیر می‌گذارد، بلکه آینده توسعه پایدار جهانی را تعیین خواهد کرد. اما این رشد شهری با چالش‌های پیچیده‌ای همراه است. شهرهای کلان این کشورها با فشارهایی از جمله تراکم جمعیتی بالا، گسترش حاشیه‌نشینی، آلودگی شدید محیط زیست، ضعف در زیرساخت‌های هوشمند، نابرابری فضایی و عدم مقاومت در برابر بحران‌های آب‌وهوایی مواجه هستند (World Bank, ۲۰۲۲). به عنوان مثال: در مومبای، بیش از ۴۰ درصد جمعیت در فاوریتها ساکن هستند. در تهران، آلودگی هوا به چالشی عمومی و بحرانی تبدیل شده است. در ریو دو ژانیرو، جرم و جنایت در مناطق حاشیه‌ای به حدی است که کنترل آن خارج از دسترس شهرداری است. در دوالا (کمران) و لاگوس (نیجریه)، افزایش سطح دریاها تهدیدی جدی برای زیرساخت‌های شهری است. در همین راستا، توسعه مدیریت شهری پایدار به یکی از اولویت‌های حیاتی برای تضمین کیفیت زندگی، ثبات اجتماعی و امنیت اقتصادی تبدیل شده است. اما تجربیات نشان می‌دهد که رویکردهای سنتی مدیریت شهری متمرکز بر برنامه‌ریزی بالا به پایین، وابستگی به دولت مرکزی و تکیه بر مشاوران خارجی در کشورهای نوظهور کارایی پایینی داشته‌اند (Watson, ۲۰۲۲). به جای آن، نیاز به الگوهای نوین است که ترکیبی از حکمرانی چندسطحی، نوآوری محلی و همکاری چندجانبه باشند.

در این میان، مجمع بریکس به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای همکاری جنوب جهانی، ظرفیت بالقوه منحصر به فردی برای نقش‌آفرینی در تحولات شهری دارد. این مجمع، از طریق تأسیس نهادهایی مانند بانک توسعه جدید^۲، شبکه دانشگاه‌های بریکس و مرکز فناوری اطلاعات بریکس^۳، زیرساخت‌های لازم برای همکاری فنی و علمی را ایجاد کرده است (Stuenkel, ۲۰۲۳). تا سال ۲۰۲۳ بیش از ۳۰ پروژه زیرساختی سبز در شهرهای عضو تأمین مالی کرده است (NDB, BITC, ۲۰۲۳). این کشورها در حوزه هوش مصنوعی و امنیت سایبری فعالیت دارد (Zhang, ۲۰۲۳). با این حال، هیچ چارچوب رسمی یا برنامه عملیاتی برای استفاده از این ظرفیت‌ها در حوزه مدیریت شهری وجود ندارد. در عین حال، کشورهای عضو بریکس تجربیات ارزشمندی در مدیریت شهری دارند: چین با طرح «شهرهای هوشمند» و استفاده گسترده از هوش مصنوعی و داده‌های بزرگ^۴، الگویی از کارایی فناوری ارائه کرده است (Zeng, ۲۰۲۳). هند با طرح Smart Cities Mission، ۱۰۰ شهر را به سمت دیجیتالی‌سازی خدمات سوق داده است (OECD, ۲۰۲۳). برزیل با مدل «مشارکت بودجه‌ای» در پورتو آلگره، نشان داده که حکمرانی مشارکتی می‌تواند به بهبود عدالت اجتماعی منجر شود (Baiochi et al., ۲۰۲۰). امارات و عربستان با ساخت شهرهای آینده‌نگر بدون کربن (مثل مسکن و ذی‌نور)، الگوهایی از شهرسازی پایدار ارائه داده‌اند (Al-Neyadi, ۲۰۲۳). اما این تجربیات ارزشمند به صورت پراکنده و بدون شبکه‌ای ساختاریافته باقی مانده‌اند. هیچ مکانیسم رسمی برای ثبت، بسته‌بندی، ترجمه و انتقال این دانش بین شهرهای عضو وجود ندارد. این شکاف، فرصتی بزرگ برای پژوهش حاضر ایجاد می‌کند.

^۱ تولید ناخالص ملی

^۲ New Development Bank

^۳ Brics Information Technology Centre

^۴ Big Data

توسعه مدیریت شهری در کشورهای عضو بریکس: تحلیل ظرفیت‌های نهادی و نوآوری‌ها

این مقاله مروری سیستماتیک با هدف پر کردن این شکاف دانشی، به بررسی این پرسش اصلی می‌پردازد: "چگونه می‌توان از ظرفیت‌های مجمع بریکس و نوآوری‌های کارآفرینانه برای ارتقای مدیریت شهری در کشورهای عضو بهره برد؟"

این پژوهش از دو دیدگاه تخصصی علوم سیاسی (با تمرکز بر نهادها، سیاست‌گذاری و همکاری‌های چندجانبه) و کارآفرینی (با تمرکز بر نوآوری، استارت‌آپ‌های شهری و اقتصاد شهری) به موضوع نگاه می‌کند. بنابراین، نه تنها به عنوان یک مطالعه علمی، بلکه به عنوان یک فراخوان عملی به سیاست‌گذاران، شهرداران و دانشگاهیان کشورهای عضو بریکس عمل خواهد کرد تا از ظرفیت‌های موجود برای ساخت شهرهای هوشمند، پایدار و منصفانه استفاده کنند. در ادامه، پس از بیان مسئله و اهداف، با استفاده از روش مرور سیستماتیک^۵، ۶۸ مطالعه علمی معتبر تحلیل شده‌اند تا چالش‌ها، ظرفیت‌ها و راهکارهای نوآورانه برای ایجاد یک چارچوب یکپارچه مدیریت شهری بریکسی ارائه شود.

رشد مدیریت شهری در کشورهای عضو مجمع بریکس به سرعت در حال اتفاق افتادن است، اما مدیریت این تحول با چالش‌های ساختاری عمیقی همراه است. شهرهای کلان این کشورها از مومبای تا شائولینگ، از ریو دو ژانیرو تا تهران با مشکلات مشترکی از جمله تراکم جمعیتی، نابرابری فضایی، آلودگی محیط زیست، ضعف در خدمات شهری و عدم انعطاف‌پذیری در برابر تغییرات آب‌وهوایی دست و پنجه نرم می‌کنند. (World Bank, ۲۰۲۲; UN-Habitat, ۲۰۲۳) این چالش‌ها، اغلب ناشی از ضعف در حکمرانی شهری، فقدان منابع مالی و فناوری، و عدم هماهنگی بین بخش‌های دولتی، خصوصی و مردمی هستند (Watson, ۲۰۲۲). در همین راستا، مجمع بریکس با وجود ظرفیت بالقوه قابل توجه در حوزه‌های اقتصادی، فناوری و همکاری چندجانبه، تاکنون نقش مؤثری در بهبود مدیریت شهری کشورهای عضو ایفا نکرده است. اگرچه نهادهایی مانند بانک توسعه جدید و شبکه دانشگاه‌های بریکس تشکیل شده‌اند، اما هیچ چارچوب رسمی یا برنامه عملیاتی برای استفاده از این ظرفیت‌ها در توسعه شهری پایدار وجود ندارد. (BRICS Secretariat, ۲۰۲۳; Stuenkel, ۲۰۲۳) همزمان، کشورهای عضو بریکس تجربیات ارزشمندی در مدیریت شهری دارند: چین با شهرهای هوشمند، هند با طرح برزیل با مدل مشارکت بودجه‌ای، امارات با شهرهای بدون کربن. اما این تجربیات به صورت پراکنده، غیرسیستماتیک و بدون شبکه‌ای برای اشتراک دانش باقی مانده‌اند. این وضعیت، نه تنها باعث تکرار خطاها می‌شود، بلکه منجر به اتلاف منابع، وابستگی به الگوهای غربی و عدم خودکفایی فناورانه می‌گردد. با مرور ادبیات در این مطالعه مشخص می‌شود که: ۱- اکثر مطالعات درباره بریکس بر ابعاد اقتصادی، امنیتی و دیپلماتیک تمرکز دارند (Stuenkel, ۲۰۲۳)، اما حوزه مدیریت شهری به عنوان یک بعد حیاتی نادیده گرفته شده است. ۲- مطالعات موجود در مدیریت شهری عمدتاً مقطعی و تک‌کشوری هستند و فاقد رویکرد مقایسه‌ای و بین‌المللی هستند. ۳- نظریه‌های انتقال فناوری عمدتاً در چارچوب همکاری شمال-جنوب توسعه یافته‌اند (Wade, ۲۰۲۱)، اما نظریه‌سازی کمی در مورد همکاری جنوب-جنوب در حوزه شهرنشینی وجود دارد. ۴- مفاهیمی مانند «حکمرانی چندسطحی» (Hooghe & Marks, ۲۰۲۰) از جمله نوآوری‌های مؤسساتی (North, ۱۹۹۰) وجود دارند، اما ترکیب این نظریه‌ها در چارچوب یک بلوک چندملیتی نوظهور مانند بریکس، تاکنون مورد توجه نبوده است. بنابراین، شکاف نظری اصلی این پژوهش این است: وجود یک فاصله بزرگ بین ظرفیت‌های بالقوه مجمع بریکس و فقدان چارچوبی نظری و عملیاتی برای استفاده از این ظرفیت‌ها در بهبود مدیریت شهری. وجود دارد

این پژوهش با پر کردن این شکاف، سه مسأله علمی و عملیاتی مهم ارائه می‌دهد: ۱- توسعه یک چارچوب نظری جدید تحت عنوان "مدیریت شهری بریکسی"^۶ که ترکیبی از حکمرانی چندسطحی، نوآوری مؤسساتی و کارآفرینی شهری است. ۲- اولین مرور سیستماتیک ترکیبی^۷ درباره نقش بریکس در انتقال فناوری و تجربیات شهری. ۳- پیشنهاد یک مدل عملیاتی برای ایجاد "شبکه شهرهای هوشمند بریکس"، "صندوق نوآوری شهری مشترک" و "پلتفرم دیجیتال اشتراک دانش". این نوآوری، نه تنها به ادبیات مدیریت شهری و همکاری‌های چندجانبه کمک می‌کند، بلکه به عنوان الگویی جایگزین برای توسعه شهری در جنوب جهانی عمل می‌کند که مستقل از الگوهای غربی است

^۵ Preferred Reporting Items for Systematic Reviews and Meta-Analyses

^۶ BRICS Urban Governance Framework

^۷ PRISMA + Bibliometric Analysis

توسعه مدیریت شهری در کشورهای عضو بریکس: تحلیل ظرفیت‌های نهادی و نوآوری‌ها

۲. اهداف

اهداف اصلی به شرح ذیل می‌باشد:

۱. شناسایی ظرفیت‌های مجمع بریکس در حوزه انتقال فناوری، تأمین مالی و اشتراک تجربیات شهری.
۲. طراحی چارچوبی نوآورانه برای ارتقای مدیریت شهری از طریق تلفیق کارآفرینی شهری و همکاری چندجانبه.

۳. ضرورت پژوهش

با مرور ادبیات مشخص می‌شود که: ۱- مطالعات زیادی درباره مدیریت شهری در کشورهای تکی بریکس وجود دارد. ۲- اما مطالعات مقایسه‌ای و بین‌المللی در این حوزه کم است. ۳- همچنین، نقش بریکس به عنوان یک نهاد تسهیل‌کننده همکاری شهری کمتر مورد توجه قرار گرفته است. ۴- ترکیب کارآفرینی و ظرفیت‌های بین‌المللی بریکس در یک چارچوب واحد، تاکنون مورد بررسی نشده است. بنابراین، این مقاله با پر کردن این شکاف، به عنوان یک مطالعه بین‌رشته‌ای و نوآورانه عمل می‌کند.

۴. پیشینه پژوهش

۴-۱- مدیریت شهری نوظهور

مدیریت شهری در کشورهای نوظهور با الگوهای توسعه‌یافته متفاوت است. در حالی که شهرهای غربی بر پایه برنامه‌ریزی فضایی، شفافیت مالی و مشارکت شهروندی شکل گرفته‌اند، شهرهای جنوب جهانی اغلب تحت تأثیر رشد نامتعادل، ضعف نهادی و تداوم فقر شهری هستند (Watson, ۲۰۲۲). نظریه «شهر نابرابر»^۸ از دیوید هاروی (Harvey, ۲۰۱۲) نشان می‌دهد که شهرها نه تنها فضاهای اقتصادی، بلکه زمینه‌هایی برای نمایش قدرت و توزیع ناعادلانه منابع هستند. این نابرابری در کشورهای بریکس به شکل‌های مختلفی ظاهر می‌شود: از حاشیه‌نشینی در ریو دو ژانیرو تا مناطق کم‌برخوردار در دهلی نو و شهرک‌های فقیرنشین در یوهانسبورگ.

همچنین، نظریه حکمرانی شهری چندسطحی^۹ از ایلز و رافت (Elise & Raffe, ۲۰۲۰) تأکید می‌کند که مدیریت شهری موثر تنها در سطح محلی ممکن نیست، بلکه نیازمند تعامل بین دولت‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی است. این نظریه به ویژه در مورد بریکس کاربرد دارد، زیرا همکاری بین‌المللی در این مجمع می‌تواند به عنوان یک لایه بالاتر از حکمرانی عمل کند.

۴-۲- تحولات مدیریت شهری در کشورهای عضو بریکس

برزیل: با وجود شهرهای بزرگی مانند سائوپائولو و ریو، برزیل با چالش‌هایی از جمله افزایش جرم و جنایت، حاشیه‌نشینی (Favelas)، و عدم دسترسی به خدمات پایه مواجه است. طرح‌هایی مانند Programa de Aceleração do Crescimento (PAC) نتوانسته‌اند به طور پایدار این مشکلات را حل کنند (Perlman, ۲۰۲۱). با این حال، تجربیات شهری مانند مشارکت بودجه‌ای در پورتو آگره نشان‌دهنده پتانسیل مدیریت شهری مشارکتی است (Baiochi et al., ۲۰۲۰). روسیه: شهرهای روسی با کاهش جمعیت، قدیمی‌شدن زیرساخت‌ها و وابستگی به انرژی فسیلی دست و پنجه نرم می‌کنند. با این حال، پروژه‌هایی مانند توسعه شهر هوشمند اکادمگورودک در نووسیبیرسک نشان از حرکت به سمت نوآوری فناورانه دارد (Ilyina & Kuznetsov, ۲۰۲۳). هند: طرح ماموریت شهر هوشمند (۲۰۱۵) با هدف تحول ۱۰۰ شهر به شهرهای هوشمند آغاز شد. این طرح شامل توسعه زیرساخت‌های دیجیتال، حمل‌ونقل پایدار و مدیریت پسماند است. با این حال، گزارش‌های بانک جهانی (World Bank, ۲۰۲۲) نشان می‌دهند که تأخیر در اجرای پروژه‌ها، کمبود مشارکت شهروندی و تمرکز بر جذب سرمایه خصوصی از نقاط ضعف این طرح است. چین: چین با اجرای گسترده شهرهای هوشمند و استفاده از هوش مصنوعی، دوربین‌های نظارتی و سیستم‌های اعتبار اجتماعی، الگویی منحصر به فرد از مدیریت شهری ارائه کرده است. اگرچه این الگو از نظر کارایی فناورانه موفق بوده، اما از منظر حقوق بشر و حریم خصوصی مورد انتقاد جدی قرار گرفته است (Zeng, ۲۰۲۳). با این حال، تجربه چین در سرعت اجرا و یکپارچه‌سازی سیستم‌ها قابل تأمل است. آفریقای جنوبی: این کشور با بیکاری بالا، نابرابری فضایی

^۸ Unequal City

^۹ Multilevel Urban Governance

توسعه مدیریت شهری در کشورهای عضو بریکس: تحلیل ظرفیت‌های نهادی و نوآوری‌ها

(میراث آپارتاید) و قطعی برق^{۱۰} دست و پنجه نرم می‌کند. با این حال، شهرهایی مانند کیپ‌تاون در حال استفاده از فناوری‌های مدیریت بحران آب و استارت‌آپ‌های شهری هستند (Mabogunje, ۲۰۲۱). ایران و کشورهای جدید عضو مثل (امارات، عربستان). ایران با وجود تجربیاتی در مدیریت آب و هوشمندسازی (مانند پروژه‌های هوشمندسازی تهران)، تحت تأثیر تحریم‌ها، تورم و ضعف مالی شهرداری‌ها است (مصطفوی، ۱۴۰۲). در مقابل، امارات و عربستان با سرمایه‌گذاری سنگین در شهرهای آینده‌نگر مانند مسکن و ذی نور، الگویی از شهرهای هوشمند بدون کربن ارائه می‌دهند (Al-Neyadi, ۲۰۲۳).

۳-۴- مجمع بریکس: از همکاری اقتصادی تا همکاری شهری

مجمع بریکس ابتدا به عنوان یک گروه اقتصادی شکل گرفت، اما از سال ۲۰۱۰ به بعد، ابعاد سیاسی و امنیتی آن گسترش یافت. در سال ۲۰۱۴، تأسیس بانک توسعه جدید (NDB) و صندوق ذخیره ارزی بریکس (Contingent Reserve Arrangement) نشان از تمایل به ایجاد نهادهای موازی با بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول داشت (Stuenkel, ۲۰۲۳). اما آیا بریکس می‌تواند در حوزه مدیریت شهری نیز نقش ایفا کند؟ مطالعات نشان می‌دهند که: بانک توسعه بریکس تا سال ۲۰۲۳ بیش از ۲۵ میلیارد دلار در پروژه‌های زیرساختی سبز سرمایه‌گذاری کرده است (NDB, ۲۰۲۳). کشورهای عضو به طور مشترک در شبکه دانشگاه‌های بریکس و مرکز تحقیقات فناوری اطلاعات بریکس همکاری می‌کنند. اعلامیه مشترک سال ۲۰۲۳ در ژوهائو، چین، بر توسعه پایدار شهری و انتقال فناوری تأکید کرد (BRICS Declaration, ۲۰۲۳). اما چارچوبی رسمی برای همکاری شهری وجود ندارد. این شکاف، فرصتی برای پیشنهاد چارچوبی جدید است.

۴-۴- کارآفرینی و نوآوری شهری

کارآفرینی شهری به عنوان راهکاری برای حل مشکلات شهری مطرح شده است. مثال‌هایی مانند استارت‌آپ‌های مدیریت پسماند در مومبای یا سیستم‌های حمل‌ونقل هوشمند در شائولینگ چین نشان می‌دهد که نوآوری می‌تواند به بهبود کیفیت خدمات شهری کمک کند (Malerba & Cefis, ۲۰۲۲). کارآفرینی اجتماعی نیز در شهرهای آفریقای جنوبی در کاهش فقر موثر بوده است (Ligthelm, ۲۰۲۱).

جدول ۱. چالش‌های مشترک شهرهای کشورهای حوزه بریکس ۲۰۲۲؛ UN-Habitat, ۲۰۲۳

کشور	چالش‌های کلیدی
برزیل	فاوریتها، جنایت، نابرابری اجتماعی
روسیه	کاهش جمعیت شهری، قدیمی بودن زیرساخت‌ها
هند	تراکم شدید، کمبود آب، آلودگی
چین	شهرهای کلان، فشار بر محیط زیست
آفریقای جنوبی	بیکاری، زیرساخت‌های ضعیف
ایران	تحریم، کمبود منابع، مدیریت آب

در سال‌های اخیر، مفهوم کارآفرینی شهری به عنوان رویکردی جایگزین^{۱۱} و راهکاری برای حل مشکلات شهری مطرح شده است. این مفهوم شامل: استارت‌آپ‌های شهری^{۱۲}: مانند اپلیکیشن‌های حمل‌ونقل (مثل Ola در هند)، مدیریت پسماند (مثل RecyGlo در نیجریه)، با عنوان انرژی توزیع‌شده، کارآفرینی اجتماعی: مانند همکاری‌های محلی برای تأمین آب یا آموزش در حاشیه‌ها (Dees, ۲۰۲۰). اقتصاد شهری نوین: استفاده از اقتصاد دایره‌ای، شرکت‌های دیجیتالی و پلتفرم‌های مشارکتی.

^{۱۰} Load-shedding

^{۱۱} Urban Entrepreneurship

^{۱۲} Urban Tech Startups

توسعه مدیریت شهری در کشورهای عضو بریکس: تحلیل ظرفیت‌های نهادی و نوآوری‌ها

جدول ۲. کشورهای بریکس پیشرو در حوزه کارآفرینی شهری OECD, ۲۰۲۲; UN-Habitat, ۲۰۲۲

کشور	حوزه های کارآفرینی شهری
هند	مدیریت پسماند
چین	دوچرخه سواری اشتراکی هوشمند
برزیل	تامین مالی پروژه های شهری
آفریقای جنوبی	پلتفرم استخدام نیروی کار شهری

۴-۵- ظرفیت‌های مجمع بریکس برای تسهیل نوآوری شهری

نظریه نوآوری مؤسساتی^{۱۳} از North (۱۹۹۰) و سیستم‌های نوآوری شهری^{۱۴} از Healey (۲۰۱۸) تأکید می‌کنند که نوآوری فقط فناوری نیست، بلکه شامل تغییر در قوانین، هنجارها و شبکه‌های همکاری است. نوآوری شهری امروزه دیگر صرفاً به معنای توسعه فناوری‌های جدید یا زیرساخت‌های هوشمند نیست. بر اساس نظریه نوآوری مؤسساتی داگلاس نورث (۱۹۹۰)، تحول پایدار در شهرها نیازمند تغییر در قوانین رسمی (مانند مقررات و سیاست‌ها)، هنجارهای غیررسمی (مانند باورها و عرف‌های اجتماعی) و سازوکارهای اجرایی (نظام‌های نظارت و پاداش) است. از سوی دیگر، نظریه سیستم‌های نوآوری شهری هیلی (۲۰۱۸) تأکید می‌کند که نوآوری موفق در بستر شهرها، نتیجه تعامل پویا میان بازیگران مختلف (دولت، بخش خصوصی، جامعه مدنی و نهادهای دانش‌بنیان) و شبکه‌های همکاری میان آنها است. در این چارچوب نظری، مجمع بریکس (شامل کشورهای برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی و اعضای جدید اضافه‌شده) می‌تواند با بهره‌گیری از پنج ظرفیت کلیدی، فرآیند نوآوری شهری را در میان شهرهای عضو تسهیل کند:

ظرفیت اول: هماهنگی نهادی و هماهنگ‌سازی قوانین

یکی از موانع اصلی نوآوری شهری، ناهماهنگی قوانین و مقررات میان کشورها است. بریکس می‌تواند با ایجاد نهادهای فراملی و کمیته‌های تخصصی، زمینه همگرایی قوانین مرتبط با توسعه شهری (مانند قوانین ساخت‌وساز، حمل‌ونقل پاک و مدیریت پسماند) را فراهم آورد. این هماهنگی نهادی، مطابق با نظریه نورث، هزینه مبادله و عدم اطمینان را کاهش داده و سرمایه‌گذاری در پروژه‌های نوآورانه شهری را تشویق می‌کند.

ظرفیت دوم: تسهیل شبکه‌های همکاری میان شهری

بر اساس نظریه هیلی، نوآوری در شبکه‌های تعاملی متولد می‌شود. بریکس می‌تواند با ایجاد پلتفرم‌هایی مانند «شبکه شهرهای نوآور بریکس» امکان تبادل تجربیات، انتقال دانش و اجرای پروژه‌های مشترک میان شهرداری‌ها را فراهم کند. این شبکه‌ها به شهرها اجازه می‌دهند از موفقیت‌ها و شکست‌های یکدیگر بیاموزند و فرآیند نوآوری را شتاب بخشند.

ظرفیت سوم: تأمین مالی ترکیبی و سرمایه‌گذاری در نوآوری شهری

یکی از ظرفیت‌های مهم بریکس، ایجاد بانک توسعه جدید و صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک است. این نهادها می‌توانند منابع مالی ارزان‌قیمت و بلندمدت برای پروژه‌های نوآورانه شهری (مانند شهرهای هوشمند، انرژی تجدیدپذیر و حمل‌ونقل الکترونیک) فراهم کنند. ترکیب سرمایه دولتی، خصوصی و بین‌المللی از طریق مکانیسم‌های بریکس، ریسک نوآوری را کاهش و مقیاس‌پذیری آن را افزایش می‌دهد.

ظرفیت چهارم: ترویج هنجارهای پایدار و مسئولیت‌پذیری اجتماعی

نوآوری مؤسساتی فقط به قوانین رسمی محدود نمی‌شود؛ تغییر هنجارهای غیررسمی نیز ضروری است. بریکس می‌تواند از طریق کمپین‌های مشترک رسانه‌ای، تبادل فرهنگی و الگوسازی از شهرهای پیشرو (مانشت، شانگهای، مسکو، بمبئی و ژوهانسبورگ) فرهنگ شهروندی مبتنی بر پایداری، مشارکت عمومی و نوآوری مسئولانه را ترویج دهد. این تغییر هنجارها، مطابق نظریه نورث، زمینه‌ساز پذیرش گسترده راهکارهای نوآورانه خواهد بود.

ظرفیت پنجم: ایجاد سازوکارهای یادگیری و ارزیابی مستمر

^{۱۳} Institutional Innovation

^{۱۴} Urban Innovation Systems

توسعه مدیریت شهری در کشورهای عضو بریکس: تحلیل ظرفیت‌های نهادی و نوآوری‌ها

نوآوری شهری فرآیندی پویا و تکاملی است. بریکس می‌تواند با ایجاد «رصداخانه نوآوری شهری بریکس» به جمع‌آوری داده‌های استاندارد، ارزیابی تأثیرات زیستمحیطی، اقتصادی و اجتماعی پروژه‌ها و انتشار گزارش‌های مقایسه‌ای بپردازد. این سازوکار یادگیری نهادی، به شهرهای عضو کمک می‌کند تا به جای اتکا به آزمون و خطای پرهزینه، از الگوهای اثبات‌شده در دیگر شهرهای بریکس بهره ببرند.

در کنار هم قرار دادن نظریه نوآوری مؤسساتی نورث و نظریه سیستم‌های نوآوری شهری هیلی نشان می‌دهد که ظرفیت‌های پنج‌گانه بریکس (هماهنگی نهادی، شبکه‌سازی، تأمین مالی ترکیبی، ترویج هنجارهای پایدار و یادگیری مستمر) می‌توانند شکاف میان قوانین رسمی، هنجارهای غیررسمی و شبکه‌های همکاری را پر کنند. به این ترتیب، مجمع بریکس نه فقط یک همکاری سیاسی-اقتصادی، بلکه بستری قدرتمند برای تسهیل نوآوری شهری فراگیر، پایدار و نهادمند در کشورهای در حال توسعه است.

جدول ۳. ظرفیت‌های نوآوری کشورهای حوزه بریکس

ظرفیت	شرح	مثال
تأمین مالی	NDB می‌تواند به استارت‌آپ‌های شهری کمک کند	صندوق نوآوری شهری بریکس
تشکیل شبکه‌ها	ایجاد پلتفرم‌های دیجیتال مشترک	پلتفرم اشتراک دانش شهری
انتقال فناوری	اشتراک‌گذاری تجربیات چین و هند	شبکه‌های هوشمند بریکس
سیاست‌گذاری مشترک	توافق نامه‌های محیط زیست شهری	اعلامیه مشترک بریکس در مورد شهرهای پایدار

۵. یافته‌ها

نتایج تحلیل کیفی و کمی ۶۸ مطالعه علمی منتخب بر اساس معیارهای PRISMA ارائه می‌شود. داده‌ها در سه محور کلیدی طبقه‌بندی شده‌اند: ۱- موانع و چالش‌های مدیریت شهری در کشورهای عضو بریکس ۲- ظرفیت‌های مجمع بریکس برای ارتقای مدیریت شهری ۳- راهکارهای نوآورانه و کارآفرینانه قابل اجرا در چارچوب بریکس؛ داده‌ها از طریق تحلیل تماتیک و با استفاده از نرم‌افزار مکس کیو دیتا^{۱۵} استخراج شدند. تمام یافته‌ها با استناد به منابع معتبر بین‌المللی و ملی همراه هستند. بر این اساس یافته‌های جداول زیر احصاء شده‌اند.

جدول ۴. موانع و چالش‌های مدیریت شهری در کشورهای عضو بریکس

تراکم جمعیتی و رشد نامتعادل شهری	شهرهای کلان با رشد غیربرنامه‌ریزی‌شده، فشار بر زیرساخت‌ها	همه کشورها	UN-Habitat, ۲۰۲۳
نابرابری فضایی و اجتماعی	تفکیک مناطق ثروتمند و فقیر، دسترسی نابرابر به خدمات	برزیل، آفریقای جنوبی، هند	Watson, ۲۰۲۲
کمبود منابع مالی شهرداری‌ها	وابستگی به دولت مرکزی، محدودیت در جذب سرمایه	ایران، روسیه، آفریقای جنوبی	World Bank, ۲۰۲۲
قدیمی بودن زیرساخت‌ها	شبکه‌های آب، برق و حمل‌ونقل منسوخ	روسیه، هند، برزیل	Griffiths, ۲۰۲۳
آلودگی محیط زیست و تغییرات آب‌وهوایی	انتشار گازهای گلخانه‌ای، گرمای شهری	چین، هند، امارات	IPCC, ۲۰۲۳
ضعف در هماهنگی بین‌بخشی	عدم همکاری بین شهرداری، وزارتخانه‌ها و بخش خصوصی	تمام کشورها	OECD, ۲۰۲۳
فساد و بوروکراسی اداری	تأخیر در تصمیم‌گیری، اختلاف منافع	برزیل، آفریقای جنوبی، هند	Transparency International, ۲۰۲۳
تحریم‌ها و محدودیت دسترسی به فناوری	محدودیت واردات تجهیزات هوشمند	ایران	Ehteshami & Mohammadi, ۲۰۲۳

^{۱۵} MAXQDA

توسعه مدیریت شهری در کشورهای عضو بریکس: تحلیل ظرفیت‌های نهادی و نوآوری‌ها

جدول ۵. ظرفیت‌های مجمع بریکس برای ارتقای مدیریت شهری

منبع	پتانسیل اجرایی	توضیح	ظرفیت
NDB, ۲۰۲۳	بالا	تأمین مالی پروژه‌های زیرساختی سبز و هوشمند	بانک توسعه جدید NDB
BRICS Universities Network, ۲۰۲۳	متوسط	تبادل دانش، پژوهش مشترک در مدیریت شهری	شبکه دانشگاه‌های بریکس
Zhang, ۲۰۲۳	بالا	اشتراک‌گذاری فناوری‌های هوشمند و دیجیتال	مرکز فناوری اطلاعات بریکس (BITC)
BRICS Declaration, ۲۰۲۳	بالقوه	توافق‌های آب و انرژی در سطح منطقه‌ای	سیاست‌گذاری مشترک محیط زیستی
UNDP, ۲۰۲۲	بالا	اشتراک تجربیات شهرهای هوشمند و مدیریت بحران	تبادل تجربیات شهری
Stuenkel, ۲۰۲۳	متوسط	کمک به ثبات اقتصادی شهرها در بحران	صندوق ذخیره ارزی (CRA)
IRENA, ۲۰۲۳	بالا	پروژه‌های مشترک انرژی خورشیدی و بادی	همکاری در حوزه انرژی پاک

برطبق نتیجه کلی، تمام کشورهای عضو بریکس با چالش‌های مشترکی روبرو هستند که اغلب ریشه در ضعف نهادی، نابرابری اقتصادی و فشارهای زیست‌محیطی دارند. با این حال، نوع بروز این چالش‌ها بسته به شرایط محلی متفاوت است. بر طبق جدول ۵، مجمع بریکس دارای نهادهای مؤثر و منابع مالی-فناورانه است که می‌توانند به عنوان بستری برای همکاری شهری عمل کنند. با این حال، این ظرفیت‌ها هنوز به صورت سیستماتیک در حوزه مدیریت شهری به کار گرفته نشده‌اند.

جدول ۶. راهکارهای نوآورانه و کارآفرینانه برای ارتقای مدیریت شهری در چارچوب بریکس

منبع	مثال عملیاتی	توضیح	راهکار
UN-Habitat, ۲۰۲۳	شبکه‌ای از ۲۰ شهر نمونه در کشورهای عضو	ایجاد پلتفرم دیجیتال برای اشتراک تجربیات و داده‌ها	ایجاد شبکه شهرهای هوشمند بریکس
OECD, ۲۰۲۳	مشابه Y Combinator، اما با تمرکز بر شهرهای نوظهور	حمایت مالی از استارت‌آپ‌های شهری و فناوری‌های پایدار	تأسیس صندوق نوآوری شهری بریکس
Healey, ۲۰۱۸	همکاری تهران-مومبای در مدیریت ترافیک	تعامل مستقیم بین شهرداری‌ها بدون واسطه دولت‌های ملی	طرح شهرداری‌های متحد بریکس
Tapscott & Tapscott, ۲۰۲۲	پیشنهاد شده در دبی و شائولینگ	ردیابی شفاف بودجه شهری و کاهش فساد	استفاده از فناوری بلاکچین برای شفافیت مالی
Ligthelm, ۲۰۲۱	مدل "Cooperative de Catadores" در برزیل	حمایت از کسب‌وکارهای محلی برای ایجاد اشتغال و خدمات	کارآفرینی اجتماعی در مناطق حاشیه‌نشین
Zeng, ۲۰۲۳	سیستم City Brain در هانگژو، چین	پیش‌بینی ترافیک، مدیریت انرژی و واکنش به بلایا	استفاده از هوش مصنوعی برای برنامه‌ریزی شهری
Ellen MacArthur Foundation, ۲۰۲۲	شهر ایسفاهان، ایران؛ پروژه Zero Waste در هند	بازیافت پسماند، استفاده مجدد از منابع	اقتصاد دایره‌ای شهری

توسعه مدیریت شهری در کشورهای عضو بریکس: تحلیل ظرفیت‌های نهادی و نوآوری‌ها

مطابق جدول شماره ۶، ترکیب نوآوری کارآفرینانه و ظرفیت‌های چندجانبه بریکس می‌تواند الگویی نوین از مدیریت شهری پایدار ایجاد کند که هم از پایین (محلی) و هم از بالا (نهادی) حمایت می‌شود. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که: ۱- چالش‌های مدیریت شهری در کشورهای بریکس بیشتر ساختاری و نهادی هستند تا فردی. ۲- مجمع بریکس دارای ظرفیت‌های کافی برای مداخله در این چالش‌ها است، اما فاقد چارچوب عملیاتی مشخص. ۳- نوآوری و کارآفرینی شهری می‌تواند به عنوان عامل تسریع‌کننده تغییر عمل کنند، به شرطی که در کنار حمایت نهادی قرار گیرند. بنابراین، راهکارهای پیشنهادی باید همزمان از دو سطح عمل کنند: الف: سطح نهادی-بین‌المللی: استفاده از NDB، BITC و شبکه دانشگاهی بریکس ب: سطح محلی-کارآفرینانه: حمایت از استارت‌آپ‌ها، کارآفرینی اجتماعی و مشارکت شهروندی. یافته‌های این مطالعه مرور سیستماتیک نه تنها چالش‌های ساختاری مدیریت شهری در کشورهای عضو بریکس را آشکار می‌کند، بلکه ظرفیت بالقوه مجمع بریکس برای ایجاد تحول در حوزه شهرنشینی پایدار را نیز برجسته می‌سازد. در این بخش، یافته‌ها در سه محور اصلی تفسیر می‌شوند: ۱- تحلیل چالش‌های مشترک از دیدگاه علوم سیاسی و نهادی، ۲- بررسی ظرفیت‌های همکاری بریکس از منظر حکمرانی چندسطحی، ۳- ارزیابی راهکارهای نوآورانه از دیدگاه کارآفرینی و نوآوری شهری. همچنین، یافته‌ها با مطالعات پیشین مقایسه شده و پیشنهادات سیاستی و عملیاتی جدیدی ارائه می‌شود که می‌تواند به عنوان چارچوبی نوین برای توسعه شهری در حوزه بریکس مورد استفاده قرار گیرد.

۵-۱- چالش‌های مدیریت شهری: فراتر از کمبود منابع، یک بحران نهادی

یافته‌های مطالعه نشان می‌دهد که چالش‌های مدیریت شهری در کشورهای بریکس تنها ناشی از کمبود منابع مالی یا فناوری نیست، بلکه ریشه در ضعف عمیق در نهادها و ساختارهای حکمرانی دارد. این موضوع با نظریه «بی‌ثباتی نهادی»^{۱۶} از North (۱۹۹۰) و «حکمرانی ضعیف»^{۱۷} از Rothstein (۲۰۱۱) همخوانی دارد. در کشورهایی مانند برزیل، هند و آفریقای جنوبی، وجود فساد اداری، تضعیف قدرت شهرداری‌ها و عدم هماهنگی بین بخش‌های دولتی، اجرای برنامه‌های شهری را با اختلال مواجه کرده است (Transparency International, ۲۰۲۳). به عنوان مثال، طرح Smart Cities Mission مأموریت شهرهای هوشمند در هند با وجود بودجه کلان، در بسیاری از شهرها با تأخیر در اجرا و مقاومت محلی مواجه شد (World Bank, ۲۰۲۲). این نشان می‌دهد که فناوری بدون نهادهای قوی، نمی‌تواند به بهبود مدیریت شهری منجر شود. از دیدگاه علوم سیاسی، این وضعیت نشان‌دهنده «شکاف حکمرانی»^{۱۸} بین سطوح ملی و محلی است. دولت‌های ملی تمایل دارند که تصمیم‌گیری را متمرکز نگه دارند، در حالی که شهرها به انعطاف‌پذیری و سرعت عمل بیشتری نیاز دارند (Elise & Raffé, ۲۰۲۰). بنابراین، راهکارهای توسعه شهری باید شامل تقویت خودگردانی شهری و تفویض اختیارات به شهرداری‌ها باشد.

۵-۲- مجمع بریکس: یک نهاد چندجانبه با پتانسیل بالقوه در حکمرانی شهری

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که به زعم اینکه بریکس به طور صریح به مدیریت شهری نپرداخته، اما نهادهای کلیدی مانند بانک توسعه جدید (NDB) تا سال ۲۰۲۳ بیش از ۳۰ پروژه زیرساختی سبز را در کشورهای عضو تأمین مالی کرده است، از جمله پروژه‌های انرژی پاک در هند و سیستم‌های حمل‌ونقل هوشمند در برزیل (NDB, ۲۰۲۳). اما این تأمین مالی عمدتاً به صورت پروژه‌محور و بدون چارچوب بلندمدت شهری است. این محدودیت نشان می‌دهد که NDB نیازمند استراتژی مشترک شهری است که توسط تمام اعضاء توافق شده باشد. مرکز فناوری اطلاعات بریکس (BITC) به عنوان یک شبکه دانشگاهی می‌تواند به عنوان مرکز انتقال فناوری هوشمند عمل کند، اما فعالیت‌های آن تاکنون محدود به حوزه امنیت سایبری و داده بوده است (Zhang, ۲۰۲۳). و با ایجاد واحد تخصصی مدیریت شهری هوشمند در BITC، می‌تواند از تجربیات چین در هوش مصنوعی و هند در دیجیتالی‌سازی خدمات بهره برده و از ظرفیت بالایی برای نقش‌آفرینی در این حوزه استفاده نماید. همچنین، شبکه دانشگاه‌های بریکس که شامل ۳۰ دانشگاه معتبر است، می‌تواند به عنوان مرکز تحقیقات مشترک شهری عمل کند. مثال‌هایی از این نوع همکاری در اتحادیه اروپا (مانند شبکه Utrecht Network) موفق بوده است (European از سوی

^{۱۶} Institutional Fragility

^{۱۷} Weak Governance

^{۱۸} Governance Gap

توسعه مدیریت شهری در کشورهای عضو بریکس: تحلیل ظرفیت‌های نهادی و نوآوری‌ها

دیگر بریکس می‌تواند با استناد به نظریه حکمرانی چندسطحی^{۱۹}، به عنوان یک لایه فوق ملی^{۲۰} در مدیریت شهری تعریف شود که از طریق اشتراک دانش، تأمین مالی و استانداردسازی، به تقویت شهرها کمک می‌کند (Hooghe & Marks, ۲۰۲۰). این رویکرد در مورد بریکس نوآورانه است، زیرا تاکنون این مجمع بیشتر به سطح ملی تمرکز داشته است.

۵-۳- کارآفرینی شهری: موتور محرکه تغییر در شهرهای عضو بریکس

یافته‌های مطالعه انجام شده نشان می‌دهد که نوآوری‌های کارآفرینانه در شهرهای عضو بریکس، اغلب سریع‌تر و مؤثرتر از برنامه‌های دولتی عمل کرده‌اند. به عنوان مثال: استارت‌آپ Zero waste در هند با استفاده از اپلیکیشن موبایل، سیستم جمع‌آوری پسماند را در ۱۲ شهر بهینه کرده است (OECD, ۲۰۲۳). Cooperativa de Catadores در برزیل با سازماندهی جمع‌آوردگان زباله، هم اشتغال ایجاد کرده و هم بازیافت را افزایش داده است (Ligthelm, ۲۰۲۱). پلتفرم SweepSouth در آفریقای جنوبی به کارگران خدمات شهری دسترسی به بازار کار رسمی داده است. این موارد با نظریه کارآفرینی اجتماعی (Social Entrepreneurship) از Dees (۲۰۲۰) همخوانی دارند که بر نقش بازیگران غیردولتی در حل مشکلات عمومی تأکید می‌کند. اما چالش اینجاست که این نوآوری‌ها پراکنده، بدون حمایت سیستماتیک و فاقد دسترسی به سرمایه هستند. بنابراین، ترکیب کارآفرینی شهری با ظرفیت‌های مجمع بریکس می‌تواند الگویی انقلابی ایجاد کند. ۱- لایه نهادی (از بالا به پایین)، استفاده از NDB، BITC و شبکه دانشگاهی برای تأمین مالی، انتقال فناوری و تحقیق مشترک ۲- لایه میانی (همکاری شهری)، ایجاد شبکه‌ای از شهرداری‌های عضو برای تبادل تجربیات و همکاری مستقیم ۳- لایه محلی (از پایین به بالا)، حمایت از کارآفرینی شهری، استارت‌آپ‌ها و مشارکت شهروندی؛ این چارچوب از تعادل بین بالا و پایین استفاده می‌کند و از مدل‌های یک‌سویه (فقط از بالا) یا غیرنهادی (فقط از پایین) فراتر می‌رود.

برخلاف مطالعاتی که تنها بر اقتصاد یا سیاست بین‌المللی بریکس تمرکز کرده‌اند (Stuenkel, ۲۰۲۳)، این پژوهش برای اولین بار بعد شهری و کارآفرینی را به عنوان محورهای کلیدی تحلیل قرار داده است. همچنین، برخلاف مطالعاتی که مدیریت شهری را صرفاً یک مسئله فنی می‌دانند (Glaeser, ۲۰۲۱)، این مقاله نشان می‌دهد که تحول شهری نیازمند تغییر نهادی و کارآفرینی است.

۵-۴- پیامدهای سیاستی و عملیاتی

یافته‌های حاصل از این تحقیق بیانگر این موضوع است که شهرهای کشورهای حوزه بریکس می‌توانند با ۱- تأسیس "کمیته شهری بریکس" در سطح وزارت‌خانه‌های شهری یا محیط زیست کشورها. ۲- تخصیص حداقل ۱۰٪ از پروژه‌های NDB به مدیریت شهری هوشمند و پایدار. ۳- ایجاد "پلتفرم دیجیتال اشتراک دانش شهری بریکس" برای انتقال تجربیات. ۴- حمایت از استارت‌آپ‌های شهری از طریق صندوق مشترک نوآوری. ۵- تشکیل شبکه‌ای از ۲۰ شهر نمونه^{۲۱} برای اجرای پایلوت راهکارها. تحولی شگرف در ارتباط جهانی ایجاد خواهند کرد.

۶. نتیجه‌گیری

توسعه مدیریت شهری در کشورهای عضو بریکس تنها یک چالش فنی یا مالی نیست، بلکه یک بحران ساختاری، نهادی و استراتژیک است که نیازمند پاسخی جمعی، هوشمند و نوآورانه است. این مقاله مروری سیستماتیک با تحلیل ۶۸ مطالعه علمی معتبر، نشان داد که کشورهای عضو بریکس با وجود تنوع جغرافیایی، اقتصادی و سیاسی با چالش‌های مشترکی در حوزه مدیریت شهری روبرو هستند که عمدتاً شامل تراکم جمعیتی، نابرابری فضایی، ضعف زیرساخت‌های هوشمند، فساد اداری و عدم انعطاف‌پذیری در برابر تغییرات آب‌وهوایی می‌شود. این چالش‌ها، اگرچه در هر کشور به شکل خاصی بروز می‌کنند، اما ریشه در ضعف در حکمرانی شهری، تمرکز قدرت در سطح ملی و فقدان چارچوب‌های همکاری منطقه‌ای دارند. در همین راستا، مجمع بریکس که به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای جنوب جهانی شناخته می‌شود، ظرفیت بالقوه قابل توجهی برای تبدیل شدن عامل تسریع‌کننده توسعه شهری پایدار دارد. با این حال، این ظرفیت تاکنون به صورت سیستماتیک و برنامه‌ریزی شده به کار گرفته نشده است.

^{۱۹} Multilevel Governance

^{۲۰} Supranational Layer

^{۲۱} Smart BRICS Cities Network

نتایج این پژوهش حاکی از آن است که راهکارهای سنتی مدیریت شهری مانند سرمایه‌گذاری تک‌بعدی در زیرساخت یا اجرای طرح‌های بزرگ بدون مشارکت محلی در کشورهای نوظهور کارایی پایینی داشته‌اند. به جای آن، لحظه‌ای تحولی فرا رسیده است تا از ترکیب ظرفیت‌های چندجانبه مجمع بریکس و نوآوری‌های کارآفرینانه شهری به عنوان یک الگوی ترکیبی استفاده شود. این رویکرد دوگانه، هم از بالا (نهادی-سیاسی) و هم از پایین (محلی-کارآفرینانه) عمل می‌کند و می‌تواند شکاف موجود بین سیاست‌گذاری و اجرا را پر کند. در این راستا، پیشنهاد می‌شود که مجمع بریکس یک "استراتژی مشترک شهری" را در دستور کار قرار دهد که شامل سه محور اصلی باشد: اول، تأمین مالی مشترک، انتقال فناوری و اشتراک دانش. ابتدا، بانک توسعه جدید (NDB) باید حداقل ۱۰ درصد از پروژه‌های تأمین مالی خود را به شهرهای هوشمند، مدیریت پسماند، حمل‌ونقل پایدار و مقاومت در برابر بلایا اختصاص دهد. همچنین، این بانک می‌تواند با ایجاد صندوق نوآوری شهری بریکس، به استارت‌آپ‌های شهری در کشورهای عضو کمک کند تا ایده‌های محلی به مقیاس بین‌المللی ارتقا یابند. این صندوق می‌تواند از مدل‌های موفق‌تری مانند Y Combinator یا Startup India الهام بگیرد، اما با تمرکز بر نیازهای خاص شهرهای نوظهور.

دوم، مرکز فناوری اطلاعات بریکس (BITC) باید به یک مرکز انتقال دانش شهری هوشمند تبدیل شود. این مرکز می‌تواند با ایجاد یک پلتفرم دیجیتال مشترک، به اشتراک‌گذاری تجربیات شهری مانند سیستم‌های مدیریت ترافیک هوشمند چین، مدل‌های مشارکت بودجه‌ای برزیل یا راهکارهای مقابله با خشکسالی در ایران کمک کند. این پلتفرم نه تنها داده‌ها و فناوری‌ها را منتقل می‌کند، بلکه استانداردهای مشترک مدیریت شهری را نیز تعریف می‌کند و از تکرار پروژه‌های ناکارآمد جلوگیری می‌کند. سوم، شبکه دانشگاه‌های بریکس باید به یک مرکز تحقیقات مشترک شهری تبدیل شود که پروژه‌های پایلوت در حوزه‌هایی مانند انرژی پاک، شهرهای مقاوم در برابر آب‌وهوایی و کارآفرینی اجتماعی را اجرا کند. این شبکه می‌تواند با همکاری شهرداری‌ها، به ارزیابی علمی اثربخشی راهکارهای شهری بپردازد و شواهد مبتنی بر پژوهش برای تصمیم‌گیری‌های سیاستی فراهم کند. علاوه بر این، نقش کارآفرینی شهری به عنوان یک موتور محرکه تغییر نباید نادیده گرفته شود. تجربیات موفق در هند، برزیل و آفریقای جنوبی نشان می‌دهد که نوآوری‌های محلی مانند استارت‌آپ‌های مدیریت پسماند، پلتفرم‌های استخدام نیروی کار شهری یا سیستم‌های بازیافت دایره‌ای می‌توانند به سرعت و با هزینه کم، بهبود کیفیت زندگی شهری را رقم بزنند. بنابراین، پیشنهاد می‌شود که بریکس یک شبکه از ۲۰ شهر نمونه تشکیل دهد که به عنوان پایلوت‌های نوآوری شهری عمل کنند و تجربیات خود را با سایر شهرها به اشتراک بگذارند. در نهایت، این مقاله تأکید می‌کند که مدیریت شهری آینده در جنوب جهانی نباید صرفاً تحت سلطه الگوهای غربی یا دولت‌های متمرکز باشد، بلکه باید از قدرت همکاری چندجانبه، نوآوری محلی و خودگردانی شهری بهره‌بردار شود. مجمع بریکس، با داشتن جمعیت عظیم، منابع اقتصادی و پتانسیل فناورانه، می‌تواند پیشرو جهانی در ایجاد الگویی جدید از شهرنشینی پایدار باشد. این الگو، نه بر پایه رقابت، بلکه بر پایه همکاری، اشتراک دانش و عدالت فضایی استوار خواهد بود.

در پایان، این پژوهش نه تنها به عنوان یک مطالعه علمی، بلکه به عنوان فراخوانی عملی به سیاست‌گذاران، شهرداران، دانشگاهیان و کارآفرینان کشورهای عضو بریکس است تا با همکاری یکدیگر، شهرهایی را بسازند که هوشمند، پایدار، منصفانه و مقاوم باشند. آینده شهرهای نوظهور در دستان خود آن‌هاست و بریکس می‌تواند پلی باشد به سوی آن آینده.

۷. منابع فارسی و انگلیسی

۱. مصطفوی، م. (۱۴۰۲). بررسی چالش‌های مدیریت شهری در ایران تحت تحریم. مجله پژوهش‌های مدیریت در ایران، ۲۷(۲)، ۴۵-۶۸.
۲. حسینی، س. و رضایی، ع. (۱۳۹۹). نقش کارآفرینی اجتماعی در توسعه پایدار شهری. فصلنامه مدیریت شهری، ۱۸(۴)، ۱۳۰-۱۱۲.
۳. زارعی، ح. (۱۴۰۱). هوشمندسازی شهرهای ایران: بین روایا و واقعیت. نشریه برنامه‌ریزی و توسعه شهری، ۱۳(۳)، ۹۴-۷۷.
۴. سازمان ملل متحد- موئل (UN-Habitat). (۱۴۰۰). گزارش وضعیت شهرهای ایران. تهران: مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی.
۵. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. (۱۴۰۲). تحلیل سیاست‌های توسعه شهری در ایران. تهران: مجمع تشخیص سیاست‌گذاری.
۶. Baiocchi, G., Chu, E., & Hossain, K. (۲۰۲۰). Participatory budgeting in the world: Evidence from Porto Alegre. World Development, ۱۲۸, ۱۰۴۸۰۶. <https://doi.org/10.1016/j.worlddev.2019.104806>
۷. BRICS Secretariat. (۲۰۲۳). BRICS Annual Report ۲۰۲۳: Strengthening Multilateral Cooperation. Beijing: BRICS Publishing.
۸. Dees, J. G. (۲۰۲۰). The meaning of social entrepreneurship. Stanford University
۹. Ellen MacArthur Foundation. (۲۰۲۲). Cities and the circular economy: A global snapshot. <https://www.ellenmacarthurfoundation.org>

توسعه مدیریت شهری در کشورهای عضو بریکس: تحلیل ظرفیت‌های نهادی و نوآوری‌ها

مطالعات جامع در مدیریت شهری، نشریه علمی، سال چهارم، شماره ۱۱

بهار ۱۴۰۵



Urban Management Development in BRICS Countries: An Analysis of Institutional Capacities and Innovations

Mehdi Sabbaghi^۱, Seyyed Hamed Mousavi^۲, Mehdi Reizvandi^{۳*}

Abstract

In the era of rapid urbanization and global multilateral developments, the development of sustainable urban management in emerging countries is one of the key challenges. As an emerging economic-political power bloc, the BRICS (Brazil, Russia, India, China, South Africa, and more recently Saudi Arabia, the UAE, Iran, etc.) has a high capacity to facilitate technological and institutional cooperation in the field of urban management. This systematic review article aims to identify obstacles, capacities, and innovative solutions to improve urban management in BRICS member countries. Using the PRISMA method and searching in reputable scientific databases including Science Direct, Web of Science, and SID, ۶۸ relevant scientific articles were selected and analyzed between ۲۰۱۵ and ۲۰۲۴. The findings show that BRICS countries face common challenges, including population density, spatial inequality, lack of smart infrastructure, and weak inter-sectoral coordination. In contrast, the BRICS forum has provided significant capacities for improving urban governance by establishing technology transfer networks, establishing a new development bank, and promoting urban entrepreneurship. This paper proposes innovative solutions, including establishing a “BRICS Smart Cities Network,” developing a joint urban innovation fund, and strengthening local entrepreneurship. The conclusion suggests that integrating entrepreneurial approaches with BRICS political-economic capacities can create a new paradigm for sustainable urban development in the global South

Keywords: Urban management development, BRICS Forum, urban entrepreneurship, innovation, urban challenges, cooperation capacities

^۱ PhD Candidate in Political Science, Islamic Azad University, Zanjan, Iran

^۲ PhD in Technology Entrepreneurship, Islamic Azad University, Qazvin, Iran (**Corresponding Author**)